

تحلیل دیدگاه مفسران در دلالت آیه چهارم سوره طلاق بر مسئله کودک همسری

نرجس السادات محسنی^۱، احسان ابراهیمی^۲

چکیده

کودک همسری و تزویج صغار از مسائل مهم جامعه اسلامی است که از جنبه های فقهی- حقوقی به طور مکرر بررسی و نظریات متفاوتی ازسوی موافقان و مخالفان آن بیان شده است. از مهم ترین ادله قرآنی بر نکاح صغیره، آیه چهارم سوره طلاق است که هر دو گروه موافقان و مخالفان به آن استناد جسته اند. پژوهش حاضر باهدف بررسی و تحلیل دیدگاه مفسران فریقین در دلالت این آیه بر مسئله کودک همسری به روش تحلیلی- اسنادی انجام شد. بدین منظور کلیه آثار فقهی و فقه القرآن در این موضوع بررسی شد. نتایج بررسی ها نشان داد که گروهی از علمای فریقین، با تکیه بر آیات و روایات و نیز استناد به تنافی آیه چهارم سوره طلاق با آیه عده طلاق و آیات دال بر کارکردها و اهداف ازدواج، به اختصاص آیه فوق به غیرصغیره و عدم دلالت آن بر جواز ازدواج با کودک نابالغ، معتقدند. گروهی دیگر نیز، باتوجه به تفاوت اصل صحت نکاح یا اصل لزوم آن و اعتقاد به محرمیت به مثابه جوهره و عنصر محوری نکاح، دلالت این آیه را بر صغیره یا کودک نابالغ به نحو خاص (منحصر به صغیره) یا عام (اعم از صغیره و غیرصغیره) پذیرفته اند. براساس دیدگاه برگزیده، منطوق و مفهوم آیه نشان می دهد که محور بحث در آن، دختران نابالغ است. این دیدگاه، محصول قرائن درون متنی، بینامتنی و فرامتنی است که در نهایت، جواز مسئله کودک همسری را از این آیه استنباط می کند.

واژگان کلیدی: کودک همسری، ازدواج زود هنگام، تزویج صغار، ازدواج کودکان، نکاح

صغیره، عقد صبی، بلوغ جنسی، سن ازدواج.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰
۱. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، مدرسه علمیه معصومیه علیه السلام، قم، ایران.

Email: narjes.mohseni@gmail.com

۲. استادیار تفسیر تطبیقی، گروه تفسیر، مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Ehsan_۱۱۴۴@yahoo.com

An Analysis of Interpreters' View on the Implication of the Fourth Verse of Surah Talaq (Divorce) in the Issue of Child Marriage

Narjes al-Sadat Mohseni¹, Ehsan Ebrahimi²

The issue of child marriage is one of the important issues in Islamic society that it has repeatedly been reviewed from jurisprudential-legal perspectives, and different opinions have been expressed by its supporters and opponents about that. The two groups have referred to the fourth verse of Surah Talaq (divorce) as one of the most important arguments for and against child marriage. This analytical-documentary study aimed to analyze Fariqin's views on the implication of this verse in the issue of child marriage; thus, all related jurisprudential and Quranic jurisprudential sources were reviewed. The results show that some of the Fariqin scholars, with focusing on some verses and narratives and the contradiction of the fourth verse of Surah Talaq (divorce) with the verse of Iddah in the same Surah, as well as other verses related to the functions and goals of marriage, believe that the fourth verse of Surah Talaq (divorce) doesn't permit child marriage. Another group, with paying attention to the difference between the principle of correctness of marriage or the principle of its necessity and the belief of Mahramiat, as the key essence of marriage, agrees with the implication of this verse in the small people or immature children in particular (small), or in general (including small and non-small). Based on the selected view, the logic and concept of this verse shows that immature girls are its key matter. This view is the result of intra-textual, inter-textual, and meta-textual evidences, so it extracts the permission of child marriage from this verse.

Keywords: child marriage, early marriage, marriage of small people, marriage of children, marriage of small person, marriage of Sabi, sexual mature, marriage age.

Paper Type: Research

Data Received: 2022/ 08 / 12 Data Revised: 2022/ 12 / 23 Data Accepted: 2023/ 02 / 09

1. Fourth Level Student of Comparative Interpretation, Masoumieh Seminary, Qom, Iran.

Email: narjes.mohseni@gmail.com

2. Assistant Professor of Comparative Interpretation, Department of Interpretation, Interpretation and Quranic Knowledge School, Imam Khomeini University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: Ehsan_1144@yahoo.com

مهم‌ترین رکن یک جامعه، خانواده و از مسائل مهم در تشکیل خانواده سن مناسب ازدواج است. فرهنگ غربی در این زمینه، نوعی گرایش به بی‌بندوباری جنسی افراد در سنین جوانی و ازدواج در سنین بزرگسالی یا به تعبیری بزرگ‌همسری را توصیه و ترویج می‌کند، اما در نگاه اسلامی که با فطرت و مصلحت بشر منطبق است، ازدواج در سنین جوانی و متناسب با شور و شوق این دوره، توصیه شده است؛ اسلام اصرار دارد که ازدواج در اوان جوانی، هرچه زودتر انجام گیرد. در جهان امروزی، بلوغ و ازدواج کودکان از مباحث مورد توجه رسانه هاست و در فضای مجازی نیز شبهه‌هایی درباره آن مطرح شده است. براین اساس، این پرسش مطرح است که آیا تشکیل خانواده در سنین کودکی و به تعبیری ازدواج زود هنگام، مورد تأیید آموزه‌های دینی به ویژه قرآن کریم است و با کودک همسری، چه میزان از اهداف و کارکردهای مورد نظر قرآن کریم در شکل‌گیری خانواده محقق خواهد شد؟ در جهان امروزی، بلوغ و ازدواج کودکان از مباحث مورد توجه رسانه هاست و در فضای مجازی نیز شبهه‌هایی درباره آن مطرح شده است. مسئله کودک همسری موافقان و مخالفان متعددی دارد و از دیرباز و در کتاب‌های فقهی فریقین، مورد بررسی قرار گرفته است. امروزه نیز درباره کودک همسری پژوهش‌هایی صورت گرفته که همگی دارای صبغه فقهی است. شکوری راد (۱۳۹۹) در پژوهش خود استدلال می‌کند که ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران درباره ازدواج کودکان، هیچ دلیل قرآنی ندارد و در نتیجه کودک همسری در قرآن تجویز و حتی به آن اشاره نشده است. همچنین آموزه‌های عام قرآنی و آیات مربوط به ازدواج نیز با کودک همسری سازگاری ندارد. هدایت نیا (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان تجویز مشروط یا تحریم مطلق کودک همسری؟ با بررسی مبانی تحریم کودک همسری، رویکرد تجویز مشروط و محدود کودک همسری در فقه و قوانین خانواده ایران را مخالف حق سلامت جسمی و روانی کودکان و زمینه‌ساز کودک‌آزاری معرفی نموده و ثابت می‌کند که در زمان کنونی، مصلحتی برای تزویج کودکان فرض نمی‌شود. همچنین امیدی (۱۳۷۷) در پژوهش خود با رویکرد فقهی حقوقی و ارزیابی انتقادی ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران، به دلیل مغایرت آن با احکام فقهی، پیشنهاد اصلاح این ماده قانونی را دارد و به موجب آن، نکاح پیش از بلوغ



را ممنوع، اما عقد نکاح پیش از بلوغ با اجازه اولیای صغیر را صحیح می‌داند. مقدادی و جوادیپور (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود با تکیه بر مبانی و آموزه‌های فقه امامیه و تأمل در نظام بین‌المللی حقوق بشر، عوامل ازدواج زود هنگام و آثار آن بر سلامت جنسی کودکان و نیز راهکارهای ممانعت از آن را تحلیل نموده و نتیجه می‌گیرد که کودک همسری منجر به تضییع حقوق کودک و آزار و بهره‌کشی از وی شده و سلامت جسمی، روحی و روانی او را در معرض خطر قرار می‌دهد.

مطالعه و بررسی‌هایی که درباره ازدواج کودکان صورت گرفته است، نشان می‌دهد که بیشتر آنها با رویکرد فقهی حقوقی و ناظر به ماده ۱۰۴۱ قانون است. فقط پژوهش شکوری راد (۱۳۹۹) متمرکز بر جنبه فقه‌القرآنی مسئله است که آن نیز با رویکرد فقهی - حقوقی و به صورت کلی (بدون تمرکز بر آیه ۴ سوره طلاق) مخالفت دیدگاه قرآن با مسئله کودک همسری را نشان می‌دهد. براین اساس، در بیان نوآوری پژوهش حاضر می‌توان گفت که با توجه به اعتبار منبع قرآن در فقه و محوریت نص قرآنی در مباحث فقهی و نیز لزوم نگاه نظام‌واره‌ای به شبکه معارف قرآنی در استدلال‌های فقهی، بازپژوهی مسئله کودک همسری در آیات و تمرکز بر اهداف و کارکردهای ازدواج در قرآن، می‌تواند زوایای ناشناخته و شبهات حول این موضوع را برطرف و دیدگاه درست قرآن حکیم در این باره را تبیین کند. از سوی دیگر، اگرچه اصل مسئله ازدواج کودک در منابع فقهی و تفسیری ذیل مباحث مرتبط با نکاح بیان شده است و در پژوهش حاضر نیز به عنوان منابع مرجع و عام از آن استفاده شده است، ولی به صورت منبع خاص یا اخص، پژوهشی درباره دیدگاه قرآن و دلالت آیه ۴ سوره طلاق بر جواز کودک همسری یافت نشد. این موضوع، ضرورت تبیین دقیق دیدگاه قرآن درباره نکاح صغیره را آشکار می‌سازد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. مفهوم‌شناسی کودک همسری در منابع تفسیری و فقهی

فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا صغیر نامیده می‌شود که معادل آن در زبان عربی طفل است. (انوری و اخیانی، ۱۳۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۴۰۱/۱۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹ ه.ق) فرزند صغیر انسان را



کودک (طفل) نیز می‌نامند. این لفظ بر فرزند مذکر (پسر) و مؤنث (دختر) و نیز جمع آنها (فرزندان) اطلاق می‌شود و تا زمانی که به سن تمیز نرسیده است او را طفل صغیر می‌نامند (فیومی، بی‌تا). به دلیل تأثیرات خاصی که دوره کودکی در حقوق و تکالیف دارد، فقیهان در بخش‌های وسیعی از فقه و به تناسب بحث، به تعریف کودک پرداخته‌اند. در اصطلاح فقهی نیز به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک یا صغیر اطلاق می‌شود (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۳۹۰هـ.ق؛ زحیلی، ۱۴۱۸هـ.ق، ۴۴۶۷/۶). این تعبیر در بسیاری از مباحث فقهی مانند باب تبعیت طفل از والدین در حکم اسلام (ر.ک.، حائری طباطبایی، ۱۴۱۸هـ.ق) یا مسئله نماز بر طفل میت (ر.ک.، حائری طباطبایی، ۱۴۰۹هـ.ق) و همچنین مباحث مربوط به بلوغ (ر.ک.، کرکی، ۱۴۰۱هـ.ق؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۱۴۰/۴؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸هـ.ق؛ نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق؛ خوانساری، ۱۳۵۵هـ.ق) دیده می‌شود. قرآن کریم سن مشخصی را برای پایان کودکی تعیین نکرده است، ولی در آیات متعددی بلوغ را پایان مرحله صغر و کودکی معرفی کرده است. (ر.ک.، نور، ۵۹؛ نساء، ۶؛ انعام، ۱۵۲؛ یوسف، ۲۲؛ اسراء، ۲۴؛ کهف، ۸۲؛ حج، ۵؛ قصص، ۱۳؛ نمل، ۶۶؛ احقاف، ۱۵) در مجموع، قرآن حکیم به سه معیار بلوغ اللحم، بلوغ النکاح و بلوغ اشد اشاره می‌کند. بنابراین از نظر فقهی، کودک کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد (ر.ک.، نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۳هـ.ق).

براین اساس، مقصود از کودک همسری، نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به سن مقتضی برای زندگی مشترک، وارد پیمان زناشویی می‌شود و از آن در فقه و حقوق اسلامی باعنوان نکاح صغیره یا نکاح صغار یاد می‌شود. در پژوهش حاضر نیز مراد از کودک همسری ازدواج کودک در سنین پایین‌تر از سن بلوغ است، فارغ از تعیین سن دقیقی برای وی.

۲-۲. بررسی کودک همسری در سوره طلاق با محوریت آیه چهارم آن

سوره طلاق از سوره‌های مدنی و مشتمل بر بیان کلیاتی از احکام طلاق و به دنبال آن مقداری اندرز و تهدید و بشارت است. (طباطبایی، ۱۳۹۰هـ.ق، ۳۱۱/۱۹) هدف سوره، تبیین احکام طلاق و به دنبال آن عده، انفاق و... برای تتمیم و تکمیل احکام مذکور در سوره بقره است (ابن عاشور، ۱۴۲۰هـ.ق). خداوند برای تبیین احکام طلاق، در آیه چهارم این سوره می‌فرماید: «وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَعْمَالِ



أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا؛ و زنانی که از عادت ماهانه مایوسند (و قصد دارید آنان را طلاق دهید)، اگر در وضع آنان شک کنید (که این عدم عادت به خاطر سن است یا بیماری و یا بارداری)، پس عده آنان سه ماه است. همچنین است حکم دخترانی که هنوز خون ندیده‌اند و پایان عده زنان باردار، وضع حمل آنان است و هرکس از خدا پروا کند، خدا برای او در کارش آسانی پدید می‌آورد». این آیه بر لزوم نگهداشتن عده پس از طلاق اشاره دارد و با بیان حکم عده سه دسته از زنان، این بحث را تکمیل می‌کند. درباره تفسیر عبارت «لَمْ يَحْضَنْ» و به تبع آن، دلالت آیه فوق بر جواز یا عدم جواز کودک همسری اقوالی از سوی مفسران مطرح شده است.

۲-۱-۲ دیدگاه اختصاص «لَمْ يَحْضَنْ» به غیرصغیره و استنباط عدم جواز کودک همسری

طبق این دیدگاه، مقصود از عبارت «وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ» در آیه چهارم سوره طلاق، زنانی است که در سن حیض قرار دارند، ولی حیض ندیدند. (طوسی، ۱۳۸۷؛ طبرسی، ۱۰۱۳۷۲/۴۶۱؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۵۲/۲؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۲۲۹/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰هـ.ق، ۳۱۶/۱۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶هـ.ق، ۴۰۶/۲۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴هـ.ق، ۳۵۲/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ.ق، ۷۹/۵) در این نظریه، عبارت «وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ» قابلیت اثبات جواز حکم کودک همسری ندارد. از این رو، با مسئله کودک همسری، مخالف و خواهان جلوگیری از ازدواج کودکان هستند. معتقدان به اختصاص آیه فوق به غیرصغیره ورد دلالت آیه بر ازدواج با دختران نابالغ، برای اثبات مدعای خود به برخی آیات قرآن و روایات استناد جسته‌اند.

پذیرش دلالت آیه چهارم سوره طلاق بر ازدواج با صغیره، مستلزم تعارض با آیه عده طلاق است و در صورتی می‌توان این آیه را درباره دختران خردسال بدون حیض دانست که استمتاع با کودکان جایز باشد، در حالی که قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! و چون زنان مؤمن را نکاح کردید و پیش از آنکه با آنها آمیزش کنید، طلاقشان گفتید، شما را بر آنها عده‌ای نیست که به سر آرند» (احزاب: ۴۹). از سویی، فقها اتفاق نظر دارند که اگر زناشویی صورت نگیرد، عده لازم نیست (ر.ک. نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق). از سوی دیگر، این مسئله نیز مورد اتفاق است که قبل از بلوغ دختر، دخول جایز نیست (ر.ک. حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۱۰۱/۲۰). با انضمام این دو مقدمه، این نتیجه حاصل می‌شود که زناشویی به معنای خاص

با دختر صغیره، قبل از بلوغ جایز نیست و وقتی زناشویی نباشد، عده هم نیست. بنابراین آیه قرآن ناظر به مسئله کودک همسری نخواهد بود.

همچنین اعتقاد به دلالت آیه چهارم سوره طلاق بر جواز ازدواج با صغیره، مستلزم تعارض با آیات بیانگر اهداف و کارکردهای تشکیل خانواده نیز می باشد. در این آیات، مفهوم و شرایطی برای ازدواج مطرح است که در ازدواج کودکان قابل حصول نیست. از این آیات چنین بر می آید که قرآن ازدواج را امری دوسویه میان دو موجود برابر می داند و هدف از آن را هرگز سود و منفعت مادی یا ارضای نیازهای صرفاً یک طرفه نمی داند (ر.ک.، فرقان: ۵۴). قرآن یکی از اهداف اصلی ازدواج را دستیابی به آرامش روحی، برقراری انس و محبت و رابطه ای مودت آمیز با دیگری، پر کردن خلأهای روحی و عاطفی برای هردو طرف می داند (ر.ک.، روم: ۲۱؛ اعراف: ۱۸۹). اهداف دیگر ازدواج شامل ارضای غریزه جنسی از راه صحیح (ر.ک.، مؤمنون: ۵ و ۶؛ اسراء: ۱۷) و بقای نسل (ر.ک.، اعراف: ۱۸۹؛ نحل: ۷۲؛ فرقان: ۷۴؛ شوری: ۱۱) است. با استناد به این اهداف و کارکردها، تزویج کودکان مفسده آمیز و برخلاف حق سلامت جسمی و روانی کودکان است و چه بسا زمینه ساز کودک آزاری باشد.

برپایه برخی روایات، ازدواج خردسالان با اصل ثبات و پایداری خانواده ناسازگار است. شخصی به امام صادق علیه السلام یا امام کاظم علیه السلام عرض کرد: «ما فرزندانمان را درحالی که خردسالند به ازدواج دیگران در می آوریم. امام پاسخ داد: اگر در خردسالی به ازدواج آنها اقدام کنید، به آسانی به هم انس نمی گیرند» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۹۸/۵). این روایت از نظر سندی، معتبر است (مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۱۲۷/۲۰؛ لنگرانی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۶۸/۱) و برهمن اساس برخی فقیهان معاصر معتقدند که گاهی تزویج کودکان، حرام است؛ آنگاه که باعث فساد امر او در آینده باشد و احتیاط در ترک آن در زمان حاضر است (ر.ک.، مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه.ق، ۷۶۵/۲).

اول، تحلیل دیدگاه استنباط عدم جواز کودک همسری از آیه چهارم سوره طلاق

آیه نخست مورد استناد این دیدگاه، در مقام نفی یا اثبات عده برای برخی از اصناف است و این مسئله با دلالت آیه سوره طلاق بر دختران نابالغ منافاتی ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۱). محتوای آیه درباره احوال زنانی است که مطابق حالتی که دارند، حکم عده برای آنها نفی یا اثبات می شود و براساس تحلیل فقهی، به دنبال ثبوت یا نفی عده، تجویز نکاح (از جمله



نکاح دختران نابالغ) به طور ضمنی ثابت خواهد شد.

روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. برای مثال، امام صادق علیه السلام فرمود: «ثَلَاثٌ يَتَزَوَّجْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ مِثْلَهَا لَا تَحِيضُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا حُدُّهَا قَالَ إِذَا آتَى لَهَا أَقْلٌ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ؛ سه گروه از زنان در هر حالی می‌توانند ازدواج کنند: اول کسی که عادت (حیض) نشده و مانند او نیز نمی‌شود، پرسیدم: حد آن چیست؟ فرمود: وقتی که کمتر از نه سال داشته باشد.» (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۶۷/۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۷۹/۲۲) بنابراین، بر دختران نابالغ نیز عده واجب نیست (همانند زنان یائسه و غیرمدخوله) و آنها بلافاصله پس از جدایی و انحلال نکاح، می‌توانند دوباره ازدواج کنند. علت این امر نیز اطمینان از عدم وجود حمل است که احتمال آن در این قبیل از زنان منتفی است، این گروه از زنان جزو زنان مطلقه به طلاق بائن می‌باشند (سیوری حلی، ۱۴۲۵ ه.ق، ۲۶۲/۲).

درباره تعارض کودک همسری با اهداف و کارکردهای قرآنی ازدواج نیز می‌توان گفت که ازدواج دختران نابالغ از دو زاویه قابل بررسی است: اصل صحت نکاح و اصل لزوم. در روایات دینی نیز هر دو مورد، تأیید شده است. برای نمونه و براساس صحیحه علی بن یقطین، امام علیه السلام در پاسخ به دو سؤال فردی از صحت تزویج دختر یا پسر سه ساله و لزوم آن با عبارت «لَا بَأْسَ بِدَلِكِ إِذَا رَضِيَ أَبُوهَا أَوْ وَلِيُّهَا» (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲۸۲/۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۷۷/۲۰) پاسخ می‌دهد که برصحت عقد نابالغ در آن سن و لزوم آن بعد از بلوغ دلالت دارد (شبییری، ۱۴۱۹ ه.ق، ۴۱۰۸/۱۱؛ شبیری، ۱۴۱۹ ه.ق، ۴۱۲۴/۱۲). بنابراین، علاوه بر صحت، نظر می‌رسد دلالت روایت بر لزوم عقد ولی نسبت به صبیّه هم تمام باشد. چون طبق فرموده حضرت، در چنین ازدواجی، هیچ‌گونه مشکلی نیست.

از مهم‌ترین مشکلات ازدواج این است که تأمین‌کننده هدف ازدواج‌کننده نباشد و از اهداف اصلی نکاح، استمتاع و وقاع است. از آنجاکه در کودکی، استمتاع و وقاع جایز نیست، اگر جواز آن بعد از بلوغ هم متوقف بر عدم ردّ باشد؛ در نتیجه یکی از اساسی‌ترین اهداف ازدواج در این مورد برآورده نشده است، درحالی‌که روایت مذکور، صحت این ازدواج را تأیید می‌کند و علاوه بر صحت فعلی، بر لزوم عقد نکاح نیز دلالت دارد. (شبییری، ۱۴۱۹ ه.ق، ۴۱۰۸/۱۱؛ شبیری، ۱۴۱۹ ه.ق، ۴۱۲۴/۱۲) توضیح اینکه، تمکن از وطی، شرط صحت نکاح نیست و جوهره و

عنصر محوری نکاح، محرمیت زوجین است، نه استمتاع که از لوازم عرفی ازدواج به شمار می‌رود. ازسوی دیگر، «عقد مطلق» و «مطلق عقد» با هم تفاوت دارند، چون مقتضای «عقد مطلق» تمتع جنسی است ولی «مطلق عقد» اعم از مشروط و غیرمشروط، چنین اقتضایی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۱).

روایت نهی‌کننده از ازدواج خردسالان نیز ازسوی فقیهان بر کراهت حمل شده است (ر.ک.، طباطبایی بزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۰۴ هـ.ق) و ذیل باب «کراهت تزویج صغار» به آن اشاره کرده‌اند. همچنین می‌توان گفت که چه بسا مراد از تزویج در روایت فوق، دخول است نه مجرد اجرای صیغه عقد نکاح. ازاین رو نهی در روایت، متوجه رابطه جنسی در نکاح است نه اصل نکاح (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۹۱/۲۳).

۲-۲-۲. دیدگاه عمومیت «لَمْ يَحْضَنْ» یا اختصاص آن به صغیره و استنباط جواز کودک همسری

براساس این دیدگاه، عبارت «وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ» در آیه چهارم سوره طلاق عام است و به هردو قول صغیره یا کبیره اشاره دارد، چنان‌که برخی نوشته‌اند: «وَأَمَّا اللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ أَصْلًا، لَصَغْرَهُنَّ أَوْ لَأْتَمَهُنَّ مِنَ الْمَمْتَدَاتِ الطَّهْرِ أَبَدًا» (خطیب، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۰۰۹/۱۴).

معتقدان این دیدگاه، به‌گونه‌های مختلفی به تفسیر آیه و استدلال به آن پرداخته‌اند. به باور برخی، عبارت «وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ» اشاره به کسی دارد که یا به خاطر صغیره بودن یا عللی دیگر مثل بیماری (ر.ک.، سائیس، ۱۴۲۳ هـ.ق) سابقه حیض ندارد. بنابراین، بانوانی که از نظر صغر سن، خون حیض ندیده یا بانوانی که خون حیض می‌دیدند، ولی در اثر عارضه‌ای قطع شده، عده آنان نیز سه ماه در نظر گرفته می‌شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ هـ.ق).

به عقیده برخی دیگر، جمله موردنظر، عمومیت دارد و دو مصداق برای آن، می‌توان فرض کرد: نخست، زنانی که به سن بلوغ رسیده‌اند، ولی هنوز شاهد عادت ماهیانه نیستند که واجب است سه‌ماه عده نگه دارند. دوم، همه زنانی که به هر دلیلی، عادت ماهیانه نمی‌بینند؛ خواه به دلیل رسیدن به سن یائسگی یا هرچیزی غیر از آن. اگرچه طبق قول مشهور میان فقها، زنانی که قبل از رسیدن به سن بلوغ طلاق می‌گیرند، عده ندارند (ر.ک.، مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۴۱۷/۱۸). بنابراین، عبارت «وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ» بر جواز عقدکودکان دلالت دارد؛ زیرا مفهوم آیه شامل کودک و نابالغ نیز می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۱۲/۱۶).



در مقابل دیدگاه عمومیت، بیشتر علمای اسلامی معتقدند که عبارت «وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ» بر صغیره‌ای دلالت دارد که به سن حیض نرسیده است. (ر.ک.، بغوی، ۱۴۲۰هـ.ق؛ ابن عربی، ۱۴۰۸هـ.ق؛ صافی، ۱۴۱۸هـ.ق؛ شیخلی، ۱۴۲۷هـ.ق؛ فخررازی، ۱۴۲۰هـ.ق؛ مراغی، بی تا؛ زحیلی، ۱۴۱۱هـ.ق، ۲۷۹/۲۸؛ سیوطی، ۱۴۱۶هـ.ق؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰هـ.ق؛ مغنیه، ۱۴۲۴هـ.ق، ۳۵۱/۷؛ ابن جزی، ۱۴۱۶هـ.ق) در نتیجه، ولی می‌تواند فرزند صغیر خود را به نکاح درآورد؛ چون خدای حکیم برای دختر نابالغ، عده تعیین کرده است و عده نیز در جایی مصداق دارد که نکاحی اتفاق افتاده باشد و این یکی از فنون بلاغی آیات قرآن است (ر.ک.، ابن عربی، ۱۴۰۸هـ.ق؛ سائیس، ۱۴۲۳هـ.ق).

درباره قید «ان ارتبتم» نیز اختلاف نظر وجود دارد. مفسران و فقیهان و ادیبان، سه وجه برای آن ذکر کرده‌اند: شک در یأس و عدم یأس؛ شک در حامل و غیرحامل؛ شک همه مخاطبان (اعم از یائسه و صغیره) در عده. (ر.ک.، سائیس، ۱۴۲۳هـ.ق؛ جصاص، ۱۴۱۵هـ.ق، ۳۵۳/۵؛ نحاس، ۱۴۲۱هـ.ق؛ بغوی، ۱۴۲۰هـ.ق؛ شیخلی، ۱۴۲۷هـ.ق؛ فخررازی، ۱۴۲۰هـ.ق؛ زحیلی، ۱۴۱۱هـ.ق، ۲۸۰/۲۸؛ محلی، ۱۴۱۶هـ.ق؛ ابن جزی، ۱۴۱۶هـ.ق؛ مغنیه، ۱۴۲۴هـ.ق، ۳۵۱/۷) به عقیده این گروه مراد از ارتباب در آیه، شک در عده است. به عقیده برخی دیگر، شک در یأس و عدم یأس پذیرفته نیست (ر.ک.، جصاص، ۱۴۱۵هـ.ق، ۳۵۳/۵) و از عبارت «واللّائى یئسن من المحیض» به صراحت، یائسه بودن فرد اثبات می‌شود و نشان می‌دهد فرد به طور یقینی در مرحله یائسگی قرار دارد (کیاهارسی، ۱۴۲۲هـ.ق، ۴۲۰/۴). بنابراین مراد آیه، شک یائسه و صغیره در عده است؛ چراکه اولاً کلام فی نفسه مستقل از ماقبل نیست و به قرینه «عدتهن» در جمله قبل، شک در عده برداشت می‌شود (جصاص، ۱۴۱۵هـ.ق، ۳۵۴/۵). دوم اینکه اگر شک درباره حیض یا استحاضه بودن، «دم» بود باید از لفظ «إن ارتبتم» استفاده می‌کرد؛ زیرا ارتباب نسبت به دم، به زنان برمی‌گردد. البته درباره مذکر آوردن ضمیر می‌توان گفت که خطاب آیه به قرینه عبارت «اللّائى یئسن من المَحیضِ مِنْ نِسائِكُمْ» مردان است. افزون بر اینکه زنان، احکام خود را از علما و مردان اخذ می‌کردند (سیوری حلی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۲۶۰-۲۵۹/۲). سوم اینکه، واژه «یأس» در عربی دلالت بر انقطاع رجا (امیدی به خون دیدن ندارد) و ارتباب دلالت بر وجود رجا (امیدوار به دیدن خون) دارد که این دو

۱. وَاللّائِي لَمْ يَحِضْنَ» در نقش مبتدایی است که خبر آن به قرینه و به عنوان ایجاز حذف شده است: «فعدتهن کذلک». جمله اسمیه «وَاللّائِي لَمْ يَحِضْنَ» به ماقبل خود «واللّائى یئسن» عطف شده است. از این رو، «ان ارتبتم» نیز به خاطر قرینه از جمله دوم حذف شده است. (ر.ک.، ابن عاشور، ۱۴۲۰هـ.ق؛ نحاس، ۱۴۲۱هـ.ق؛ دعاس، ۱۴۲۵هـ.ق؛ عکبری، ۱۴۱۹هـ.ق؛ علوان، ۱۴۲۷هـ.ق؛ شیخلی، ۱۴۲۷هـ.ق؛ زحیلی، ۱۴۱۱هـ.ق)

با هم جمع نمی‌شوند (طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۹۱/۲۸؛ سائیس، ۱۴۲۳ هـ.ق؛ نحاس، ۱۴۲۱ هـ.ق). چهارم اینکه، شأن نزول آیه، این مطلب را تأیید می‌کند که درباره شک در عدّه است و با عبارات‌های مختلفی نقل شده است (کباهرآسی، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۴/۴۲۰ و ۴۲۱؛ واحدی، ۱۴۱۱ هـ.ق؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۶۲/۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۵۶۳/۳۰). به اجماع علما نیز آیه درباره عدّه طلاق است و سیاق آیه ظهور در این مطلب دارد (رک، سائیس، ۱۴۲۳ هـ.ق؛ خطیب، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۴/۱۰۰۸).

علماء درباره ترتیب دو شیوه را در پیش گرفتند: به عقیده برخی، مرجع یأس و مرجع ترتیب به اختلاف متعلق آنها با هم تفاوت دارد. آیه اشاره به شک در حکم عدّه قبل از نزول آیه دارد. در این صورت، «ان» به معنای «اذ» و ترتیب مربوط به شک در حکم عدّه قبل از نزول آیه است. بنابراین، «ان» در آیه برای یقین استعمال شده است: «والتّیاب علی هذا قد وقع فیما مضی فتکون انّ مستعملة فی معنی الیقین» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ هـ.ق). به کاربردن لفظ «ان» ارتبتم» به جای «ان جهلتم» نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ زیرا با توجه به روایت سبب نزول، «أبی» در عدّه آنان شک نداشت، بلکه کاملاً جاهل بود (سیوری حلی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۲/۲۶۰). براین اساس، شرط مذکور بیان‌کننده واقعه‌ای است که در آن حکم عدّه بدون قصد تقیید آیه، نازل شده است. پس مفهومی برای شرط نزد قائلان به مفهوم نیست (سائیس، ۱۴۲۳ هـ.ق؛ خطیب، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۴/۱۰۰۹).

برخی دیگر، مرجع یأس و ترتیب را یکی دانسته‌اند که به حالت محیض برمی‌گردد که در این صورت، آن شرطیه به حالت شرطیت خود باقی می‌ماند و ترتیب مربوط به آینده خواهد بود. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ هـ.ق) قائلان به دلالت ترتیب بر شک در عدّه، شیوه اول را در پیش گرفتند.

اول) تحلیل دیدگاه استنباط جواز کودک‌همسری از آیه چهارم سوره طلاق

دیدگاه بیانگر عمومیت عبارت «لَمْ یَحِضْنَ» نسبت به صغیره و غیرصغیره، با روایات بیانگر سبب نزول آیه منافات دارد که در آن به صراحت لفظ صغیره آمده است. (سیوری حلی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۲/۲۶۰) روایات مربوط به عدّه زنان نیز این مطلب را تأیید می‌کند که در آنها تعبیر «وَأَلَّتِي لَا یَحِیْضُ مِثْلَهَا» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۲/۱۷۷) آمده و بر صغیره تفسیر شده است (سیوری حلی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۲/۲۶۰). در برخی روایات، سن نیز به صراحت بیان شده است: «عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ثَلَاثٌ يَتَرَوْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ أَلَّتِي لَمْ تَحِیْضْ وَ مِثْلَهَا لَا تَحِیْضُ قَالَ قُلْتُ: وَ مَا



حَدَّثَهَا قَالَتْ إِذَا أَتَى لَهَا أَقْلٌ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ...» (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۶۷/۸).

در تحلیل دیدگاه اختصاص «لَمْ يَحِضَنَّ» به صغیره باید گفت که آیه یاد شده درباره شک در علت یائسه شدن است نه شک در عده و مانند آن؛ زیرا ممکن است زنی حیض نبیند، ولی شک داشته باشد که حیض ندیدنش به خاطر کبر سن است یا به خاطر عارضه‌ای مزاجی. پس معنای آیه این است که آن زنانی که از حیض یائسه می‌شوند، اگر در علت یائسه شدنشان شک بود که آیا به دلیل رسیدن به حد یائستگی است یا به دلیل عارضه مزاجی، در صورتی که طلاق داده شوند باید سه ماه عده نگاه دارند. (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۶۱/۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۱۲/۱۹). مراد از ارتیاب نیز فرد مایوس از حیض است که شک دارد این مسئله به خاطر رسیدن به سن یائستگی است یا عروض بیماری (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ هـ.ق؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۴۰۶/۲۸)؛ زیرا برای کسی که مایوس از حیض است، یعنی در سن یائستگی قرار دارد، ارتیاب در اصل یأس معنا ندارد. همین مطلب درباره کسانی نیز صادق است که در سن حیض اند، ولی حیض نمی‌بینند؛ زیرا برای فردی که در سنی قرار دارد که حیض نمی‌بیند یا به تعبیری نابالغ است، ارتیاب معنا ندارد (محبی، ۱۴۲۹ هـ.ق).

۲-۲-۳. دیدگاه دلالت منطوق عام و مفهوم خاص «لَمْ يَحِضَنَّ» بر جواز کودک همسری

در اسلوب منطوق و مفهوم، خدای حکیم ابتدا معنای مورد نظر خود را که یک معنای کلی است، به صورت منطوق بیان می‌فرماید و آنگاه با کمک مفهوم، تمام ابعاد سخن خود را کامل می‌کند. «منطوق»، معنایی است که خود لفظ به‌گونه مستقیم ارائه می‌دهد و «مفهوم»، معنایی لازمه منطوق است و به صورت تلویحی از آن استفاده می‌شود. (سیوطی،

۱۴۲۱ هـ.ق؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ هـ.ق)

به عقیده نگارندگان مقاله حاضر، منطوق عبارت «لَمْ يَحِضَنَّ» به صورت عام (زن) مطلقه‌ای که عادت ماهانه ندارد اعم از بالغ و نابالغ) و مفهوم آن به صورت خاص (عدم حیض به علت عدم بلوغ به طور یقینی) به دختران نابالغ یا صغیره اشاره دارد و به کمک آن می‌توان حکم جواز کودک همسری را از آیه استنباط کرد.

آیات قرآن کریم از سویی با حروف و کلمات و جملات پدید آمده‌اند و از سوی دیگر با دیگر گفته‌ها و نوشته‌های گوینده حکیم آن ارتباط دارد و نیز در اوضاع گوناگون فردی و

اجتماعی صادر شده است. بنابراین، هریک از این مقیاس‌های سازنده کلام، می‌تواند بر مراد گوینده دلالت داشته باشد، در نتیجه، فهم درست و کامل آیات قرآن در گرو بررسی دلالت آیه در سه محور دلالت درون‌متنی، بینامتنی و فرامتنی خواهد بود.

اول) ادله درون‌متنی آیه چهارم سوره طلاق بر جواز کودک همسری

الف) دلالت «اللَّائِي يَيْسُنَ» بر اراده شدن صغیره در «اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ»

واژه «یئسن» اشاره به کبیره‌ای است که حیض نمی‌شود. (زحیلی، ۱۴۱۱ه.ق، ۲۸/۲۷۹) به قرینه آن، «لَمْ يَحِضْنَ» باید بر صغیره دلالت کند؛ یعنی کسانی که «لاتحیض» هستند و هنوز حائض نشده‌اند. (جوادی‌آملی، ۹۷/۷/۱۲) از برخی کتب فقهی نیز چنین بر می‌آید که وقتی «اللَّائِي يَيْسُنَ مِنَ الْمَحِضِ» شامل کسانی می‌شود که در سنّ حیض می‌باشند، ولی حیض نمی‌بینند، بنابراین «لَمْ يَحِضْنَ» باید به گروهی جدید یعنی صغار اشاره کند (یزدی، ۱۴۱۵ه.ق).

ب) دلالت «إِنْ ارْتَبْتُمْ» بر شک در بلوغ

مراد از ارتباب، شک در تحقق بلوغ است؛ زیرا به قرینه جمله قبل آن، عبارت «وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ» نیز مقید به قید «إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ» در جمله پیشین است. از منطوق آیه برمی‌آید که زنان مطلقه‌ای که حیض نمی‌شوند و معلوم نیست (إِنْ ارْتَبْتُمْ) به دلیل عدم بلوغ یا به علت دیگر، هنوز حیض نشده‌اند باید سه ماه عده نگه دارند. افزون بر اینکه از مفهوم آن نیز برمی‌آید زنان مطلقه‌ای که عادت ماهانه ندارند و یقینی است که عدم حیض آنها به علت عدم بلوغ است، عده ندارند. بنابراین، دو صنف از زنان مطلقه با منطوق و مفهوم عبارت پیش‌گفته، به نفی نفس عده یا به اثبات عده سه‌ماهه که از برخی جهات مخالف با عده سه‌طهر است از عموم «المطلقات» بیرون می‌روند. (جوادی‌آملی، ۱۱۰۳۸۶/۲۵۰؛ جوادی‌آملی، ۹۷/۷/۱۵ و ۹۷/۷/۱۲) براساس این قول، از منطوق آیه به صورت ارتباب و از مفهوم آیه به صورت یقینی، به دست می‌آید که مراد از عبارت «لَمْ يَحِضْنَ» دختران نابالغ است.

ج) دلالت «لَمْ يَحِضْنَ» بر دختر نابالغ

لَمْ، حرف نفی، جزم و نصب است (کرباسی، ۱۴۲۲ه.ق) که معنای مضارع را به ماضی منفی مطلق تبدیل می‌کند که بر مطلق نفی بدون هیچ قیدی (همچون اتصال نفی به زمان حال)



دلالت دارد و نشان می دهد که آیه به دختری اشاره دارد که هنوز به مرحله بلوغ و حیض نرسیده است.

دوم) ادله بینامتنی آیه چهارم سوره طلاق بر جواز کودک همسری

هیچ سخنی در انزوا پدید نمی آید و نمی توان آن را به صورت جزیره ای و بی ارتباط با دیگر سخنان گوینده تفسیر کرد و همه دلالات سخن را فقط در فضای درونی خود آن پنداشت، بلکه هر سخنی، هم با پدیدآورنده خود مرتبط است و هم با دیگر سخنان صادرشده از گوینده. بنابراین «ادله بینامتنی» یعنی، توجه به دیگر سخنان گوینده که با سخن محل بحث او رابطه دارد و می تواند در فهم دقیق تر و درست تر آن مؤثر باشد. برای این اساس و با کمک برخی آیات و روایات مرتبط و با شیوه تفسیری قرآن به قرآن و شیوه تفسیری قرآن به سنت، می توان آیه چهارم سوره طلاق را تفسیر و بر جواز مسئله کودک همسری تأکید کرد.

الف) آیات بیانگر جواز کودک همسری

- دلالت بر آیه بیانگر عده وفات: از احکام مهمی که در دین اسلام پیش بینی شده است، لزوم نگه داری عده برای زنانی است که همسر آنها فوت کرده است. آیه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره: ۲۳۴) عام است و به اقتضای عمومیتش عده وفات شامل یائسه و صغیره می شود که شامل صاحبان قروء، زنان یائسه و صغیره است. (ر.ک.، سالیس، ۱۴۲۳هـ.ق؛ سیوری حلی، ۱۴۲۵هـ.ق؛ سیوری حلی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۲/۲۶۴) باتوجه به عموم آیه، عده وفات برای صغیره و کبیره، صاحب اقرار و غیر آن، مدخول بها و غیرمدخول بها، نکاح دائم و موقت یکسان است (عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۹/۲۷۱) و لزوم عده وفات حتی برای صغیره، به صورت ضمنی ثبوت نکاح صغیره را دربردارد (طوسی، ۱۴۰۷هـ.ق).

- دلالت بر آیه مهریه زن مطلقه: براساس محتوای آیه «الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ» (بقره: ۲۳۷) سخن درباره ولایت اولیا گروهی از زنان است که باتوجه به خصوصیت سنی یا جسمی بر نکاح آنها سرپرستی و سلطنت دارد. ثبوت ولایت اولیا بر نکاح این عده از افراد، تجویزی بر صحت نکاح افراد تحت سرپرست این اولیا خواهد بود. فقها، ولایت پدر و جد پدری بر تزویج صغار را دلیل بر جواز این نوع ازدواج می دانند. شیخ طوسی در این باره می نویسد: «برای پدر جایز است دختر خود را که به حد بلوغ نرسیده، تزویج نماید» (طوسی، ۱۴۰۰هـ.ق). همچنین

برخی معتقدند که غیر از پدر و جدّ پدری، کسی بر تزویج صغار ولایت ندارد (محقق‌حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق). براساس روایات تفسیری، مراد از «الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ» خود زوجه یا ولیّ اوست که امر نکاح را به عهده دارد نه زوج (حویزی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۵/۳۶۰). برخی فقیهان نیز با کمک روایت «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ هُوَ وَوَلِيُّ أَمْرِهَا» (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۷/۳۹۲) بر اثبات ولایت وصیّ بر نکاح صغار استدلال کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۱۶/۱۴۰).

باتوجه به روایات تفسیری ذیل آیه، پدر و جدّ پدری، بر نکاح صغیر ولایت دارند. روایات مستفیضه در مورد صحت عقد ولیّ در تزویج کودک به چند دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: روایات جواز نکاح دختر صغیر توسط ولیّ و عدم جواز فسخ آن بعد از بلوغ (البته در صورتی که با رعایت مصلحت او انجام شده باشد) (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۲/۷۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰/۲۷۶) و روایات ثبوت مهریه و ارث برای صغیره، (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۴/۷۰) این مطلب را تأیید می‌کنند. با این توضیح که ثبوت مهریه و ارث، فرع بر صحت نکاح است؛ زیرا عقد فاسد، شامل مهریه و ارث نمی‌شود و باتوجه به اینکه کودک، صلاحیت ایجاد عقد نکاح را ندارد، دلالت این دسته از روایات بر تزویج صغار اثبات می‌شود. برخی از فقها در این مسئله ادّعی اجماع کرده‌اند (ر.ک.، ابن‌ادریس، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵ هـ.ق؛ کرکی، ۱۴۰۱ هـ.ق).

- دلالت بر آیه انکاح: از اطلاق آیه انکاح: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (نور: ۳۲) نیز می‌توان جواز کودک همسری را استنباط کرد؛ زیرا «ایم» به معنای مؤنثی است که همسر ندارد، خواه خردسال باشد یا بزرگسال. (جوهری، ۱۴۱۰ هـ.ق؛ فیومی، بی‌تا) و در این آیات به صراحت، امر به ازدواج به نحو مطلق شده است که شامل نکاح صغیره نیز می‌شود.

- دلالت بر آیه وصیت: عموم آیه «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَمَّا إِمَّتُهُ عَلَىٰ الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۸۱) بر صحت هر نوع وصیتی دلالت دارد جز مواردی که به دلیل خاص از تحت شمول آنها خارج شده باشد و به عقیده فقیهان، نه فقط دلیلی بر منع از وصیت به تزویج صغار وجود ندارد، بلکه ادله‌ای هم از خارج در این باره مورد استناد قرار گرفته است. فقیهان با استناد به این آیه و روایات، وصیت به تزویج صغار را جایز و صحیح دانسته‌اند.

(ر.ک.، عکبری، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ کرکی، ۱۴۰۱ هـ.ق؛ لنکرانی، ۱۴۲۹ هـ.ق)

- دلالت بر آیه نکاح یتیم: آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ... فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنْ

التَّسَاءِ» (نساء: ۳) درباره ازدواج با دختران یتیم و رعایت عدالت درباره آنان است. کلید واژه یتیم، با مراجعه به کتب اهل لغت و تفاسیر فقهی بر سن کودکی اطلاق می شود (فیومی، بی تا؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۲/۶۴۵) و از آن می توان بر تجویز تزویج با کودک همسری استناد کرد. یتیم از ریشه «ی ت م» و در اصل به معنای تنها و منفرد است و در افراد انسان به انقطاع و جدایی کودک از پدر یا از دست دادن او - قبل از سن بلوغ - اطلاق می شود (اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق). از نظر عرب، کودکی که تنها مانده و پدر و حامی و دفاع کننده و نفقه دهنده خود را از دست داده است، یتیم می باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ه.ق). در روایات نیز «یتامی» جمع یتیم و به معنای صغیری آمده است که پدر ندارد (طبرسی، ۱۳۷۲/۱، ۲۳۶). همچنین در شرع مقدس اسلام به محض اینکه کسی به حد بلوغ برسد، دیگر یتیم بر او صدق نمی کند (لنکرانی، ۱۳۸۳). براین اساس، اگر فردی به سن بلوغ رسیده باشد و یا آنکه قبل از آن، علائم بلوغ را در خود مشاهده کرده باشد، از نظر فقهی نمی توان به او یتیم گفت.

شأن نزول آیه مورد بحث نیز می تواند شاهی بر تأیید دلالت آیه بر جواز نکاح کودک همسری باشد. در گزارش های تاریخی آمده است: «یتیمه ای در حجر تربیت یک ولی بود که تصرف در مال او ولایت داشت و می خواست او را در قید نکاح آورد و حق خدمت و تعیین مهر و مهر المثل ننماید و تصرف تام در مال او کند» (کاشانی، بی تا؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹ ه.ق). آیه ۱۲۷ سوره نساء نیز با صراحت، رعایت عدالت درباره ازدواج با دختران یتیم را تذکر می دهد (قمی، ۱۴۰۴ ه.ق). - دلالت بر آیه بیانگر اصناف نکاح حلال و حرام: اطلاق آیه «وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» (نساء: ۲۴) اصل قرآنی و مستند برخی فقیهان برای تشخیص نکاح باطل از نکاح صحیح است. (عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۷/۲۹۰ و ۲۳۴؛ کرکی، ۱۴۰۱ ه.ق) این آیه نیز می تواند دلیلی بر تأیید مسئله کودک همسری باشد؛ زیرا طبق این اصل قرآنی، چنانچه محرّمات «نَسَب» و «رضاع» و «مصاهره» و «لعان» و «کفر» و مانند آن (این شش سبب) نبود، هر زنی برای هر مردی حلال بود (جوادی آملی، ۱۵/۱۲/۹۵). افزون بر اینکه احادیث زیادی این اصل قرآنی را تأیید می کند (رک. کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۵/۳۲۰) طبق این اطلاق می توان گفت که در بحث اصناف «سبعة محرّمه من النساء» یا «سبعة محرّمه من الرجال» هیچ یک از صغیر یا صغیره جزء این موارد شمرده نشده اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه.ق، ۲/۱۱۳).

ب) روایات تفسیری بیانگر جواز کودک همسری

روایات تفسیری ذیل آیه چهارم سوره طلاق عبارت «لَمْ يَحْضَنْ» را به دختران نابالغ که هنوز حیض نشده‌اند، تفسیر کرده‌اند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۰۰/۶؛ طوسی، ۱۳۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۷۷/۲۰؛ حویزی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۳۶۰/۵) و صحیح‌ه علی بن یقطین نیز این مطلب را تأیید می‌کند. در این روایت، امام در پاسخ فردی که از صحت تزویج دختر یا پسر سه ساله سؤال می‌کند با عبارت «لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا رَضِيَ أَبُوهَا أَوْ وَلِيُّهَا» (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۷۷/۲۰) پاسخ می‌دهد که برصحت عقد نابالغ در آن سن دلالت می‌کند. همچنین روایت «عَنْ يَزِيدَ الْكُنَاسِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ مَتَى يَجُوزُ لِلْأَبِ أَنْ يُزَوِّجَ ابْنَتَهُ وَلَا يَسْتَأْمِرَهَا قَالَ إِذَا جَارَتْ تِسْعَ سِنِينَ فَإِنْ زَوَّجَهَا قَبْلَ بُلُوغِ التِّسْعِ سِنِينَ كَانَ الْخِيَارُ لَهَا إِذَا بَلَغَتْ تِسْعَ سِنِينَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰۷/۱۴) بر صحت شأنی عقد دختر نابالغ توسط پدر دلالت دارد؛ زیرا حضرت در پاسخ راوی، نه سال یعنی، بلوغ را حد لزوم استیمار قرار داده و مراد از استیمار، نظرخواهی از کودک بعد از بالغ شدن است. به قرینه صدر روایت که صحت عقد صبیّه را مشروط به استیمار و نظرسنجی از دختر می‌داند، می‌توان چنین استظهار کرد که عقد صبیّه قبل بلوغ فقط صحت تأهلی دارد و مانند عقد فضولی صحت فعلیه آن متوقف بر اجازه بعدی است. (شبیبری، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴۱۲۵/۱۲) برخی فقیهان نیز با استدلال به روایات و مسئله توارث، برای اثبات اصل صحت استفاده کرده‌اند؛ زیرا اگر زوج و زوجه صغیر قبل از بلوغ وفات کنند از یکدیگر ارث می‌برند و توارث هم در صورتی است که زوجیت صحیح محقق شده باشد (شبیبری، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴۱۳۰/۱۲).

برای جواز حکم کودک همسری به برخی روایات دیگر نیز می‌توان استناد کرد، مانند روایات بیانگر جواز عقد صغیر و صبی به اذن پدر و جد، عدم جواز دخول قبل از بلوغ، لزوم این عقد و عدم جواز فسخ نکاح توسط دختر با اذن ولی و حیض نشدن دختر در منزل پدر (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰۷/۱۴؛ حلی، ۱۳۸۸؛ طباطبایی بزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۰۴ هـ.ق)؛ چنان‌که سیره پیامبر اعظم ﷺ و صحابه نیز مؤیدی بر آن است (ر.ک.، عامری، ۱۴۲۶ هـ.ق). برخی روایات نیز بدون اشاره به سن خاصی، جوانان را در آغاز جوانی به ازدواج ترغیب می‌کنند. امام صادق ع فرمود: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ لَا تَظْمَتَ ابْنَتُهُ فِي بَيْتِهِ؛ از سعادت مرد (پدر) آن است که دخترش در خانه‌اش عادت نشود» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳۶/۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۶۱/۲۰)؛ یعنی قبل از



اینکه عادت زنانه ببیند به خانه شوهر برود. این مجموعه روایات، بیشتر ناظر به تعیین سن ازدواج دختران است و یکی از راه‌های تعیین سن مناسب برای ازدواج پسران، مراجعه به سیره عملی ائمه اطهار علیهم‌السلام است. شواهد تاریخی گواه است که امامان ما در سنین قبل از ۲۰ سالگی ازدواج می‌کردند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۳۶/۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴۷۲/۳).

سوم، ادله فرامتنی آیه چهارم سوره طلاق بر جواز کودک همسری

در ادله درون متنی یا بینامتنی، محقق در افقی هم سطح با آیه یا آیات و روایات مرتبط و از درون متن یا بینابین، به تحلیل آیه می‌پردازد، اما در ادله فرامتنی به هدف شناختی جامع‌تر، محقق از سخن اصلی و دیگر سخنان مشابه و مترابط فاصله می‌گیرد و در سطحی فراتر از سخن، دیگر جوانب بیرونی و مرتبط با آن را بررسی می‌کند. مراد از ادله فرامتنی، قرائن و شواهد غیرلفظی است که در خوانش دقیق سخن اهمیت بسیاری دارد، مثل رخدادهای بیرونی و تاریخی. درباره آیه چهارم سوره طلاق نیز با توجه به گزارش‌های تاریخی و اسباب نزول آن می‌توان بر جواز کودک همسری تأکید کرد که برخی از این ادله عبارتند از:

- (رُوی: أَنَّ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَيَّنَّ لَنَا عِدَّةَ الْحَائِضِ بِالْأَقْرَاءِ. فَمَا حُكْمُ الْإَيْسَةِ وَالصَّغِيرَةِ؟ فَأَنْزَلَ اللهُ الْآيَةَ: أَبِي بِنِ كَعْبٍ بِهِ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض کرد: خدا عده زنان حائض را برای ما با آیه اقراء روشن کرده است، پس حکم زن یائسه و دختر صغیره چیست؟ پس خدا آیه مورد بحث را نازل کرد). (جصاص، ۱۴۱۵ ه.ق، ۳۵۴/۵؛ ابن عربی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۱۸۳۷/۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ه.ق، ۳۳۶۰/۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۳۵/۶؛ مراغی، بی تا، ۱۴۲/۲۸)

- «قَالَ مُقَاتِلٌ: لَمَّا ذَكَرَ قَوْلَهُ -تَعَالَى-: «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ»، قَالَ خَلَادِبْنُ النِّعْمَانِ: يَا رَسُولَ اللهِ! فَمَا عِدَّةُ الَّتِي لَمْ تَحِضْ؟ وَ عِدَّةُ الَّتِي انْقَطَعَ حَيْضُهَا؟ وَ عِدَّةُ الْحَبْلِي؟ فَنَزَلَتْ: «وَاللَّائِي يَنْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ»؛ مقاتل گفت: چون خدای والا فرمود: «و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند» (بقره: ۲۲۸)، خلاد بن نعمان گفت: ای رسول خدا! عده کسانی که هنوز حیض نشده‌اند و زانی که عادت‌شان قطع شده، و زنان حامله چیست؟ پس آیه «وَاللَّائِي يَنْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ» نازل شد. (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۶۳/۱۸)

سوره طلاق از سوره‌های مدنی است که حدود سال هفتم هجری و در دوران تثبیت حکومت اسلامی و به هدف متمیم و تکمیل برخی احکام اسلامی نظیر طلاق نازل شد که

بعضی مسائل آن، پیشتر در سوره‌هایی مثل بقره نازل شده بود. (یوسفی غروی، ۱۴۱۷ هـ.ق) گاهی اختلافاتی میان یک زوج مسلمان پیش می‌آمد که به جدایی آن دو منجر می‌شد. از این رو، باید احکام و آداب کامل طلاق برای مسلمانان تبیین می‌شد؛ سوره طلاق در چنین فضایی نازل شد. مسلمانان پیشتر و با نزول آیه ۲۱۸ سوره بقره با اصل طلاق و حکم و عده زنان مطلقه‌ای آشنا شدند که ذوات الاقراء و اهل عادت ماهیانه (حیض) بودند. این آیه، حکم عده طلاق زانی که حیض نمی‌شوند (همچون زنان یائسه یا دختران نابالغ) را دربر نمی‌گرفت و وظیفه آنان هنوز مبهم و نامعلوم بود. در چنین فضایی، برخی صحابیان رسول خدا ﷺ درباره این مسئله پرسیدند و در پی آن نیز، آیه چهارم سوره طلاق برای رفع ابهام نازل شد (سید قطب، ۱۴۲۵ هـ.ق).

باتوجه به سؤال ابی بن کعب در مورد عده صغیره در دلیل نزول نخست و پرسش خلدبن نعمان در مورد عده کسی که هنوز حیض ندیده است در سبب نزول دوم، به دست می‌آید که عبارت «لَمْ يَحِضْنَ» در آیه مورد بحث، در مورد دختران نابالغ است. این دو روایت و مشابه آن در منابع تفسیری، به شیوه‌های مختلف و به شکل مرسل از دو صحابی رسول خدا ﷺ یعنی، ابی بن کعب و خلدبن نعمان نقل شده است، (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ هـ.ق؛ سیوطی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۳۵/۶؛ مراغی، بی تا؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ هـ.ق) ولی از نظر دلالتی و به سبب سازگاری با نص قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام می‌توانند مؤیدی برای تقویت دلالت آیه مورد بحث بر جواز کودک همسری باشند. مؤید دیگر این برداشت، روایت امام صادق علیه السلام ذیل آیه «لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ» (بقره: ۲۵) است که مراد از زنان پاک در بهشت را دخترانی دانستند که حیض نمی‌شوند: «الْأَزْوَاجُ الْمُطَهَّرَةُ اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۸۹/۱). این همسران بهشتی در دیگر آیات قرآن نیز دختران نورسیده: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا وَكَوَاعِبَ أَثْرَابًا» (نبا: ۳۱ و ۳۳) و مصون مانده از دست هر جن و انس: «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ إِلَيْهِنَّ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَا جُنَّ» (الرحمن: ۵۶) معرفی شده‌اند.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

کودک همسری، نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به سن مقتضی برای زندگی مشترک، وارد پیمان زناشویی می‌شود و از آن در فقه و حقوق



اسلامی باعنوان نکاح صغیره یا صغار یاد می‌شود و اقوالی ازسوی مفسران، فقیهان و پژوهشگران قرآنی به همراه مستنداتی درباره آن مطرح شده است. از مهم‌ترین ادله‌ای که هردو گروه موافق و مخالف کودک همسری به آن استناد جسته‌اند، آیه چهارم سوره طلاق است که درباره دلالت آن بر جواز یا عدم جواز کودک همسری ازسوی علما و دانشمندان، اقوالی مطرح شده است. به‌طورکلی دو دیدگاه اختصاص و عمومیت دلالت آیه بر صغیره یا غیرصغیره درباره آیه وجود دارد. قائلان به اختصاص این آیه به نکاح غیرصغیره به دلایلی قرآنی و روایی برای نفی جواز کودک همسری استناد جسته‌اند و مسئله کودک همسری را با برخی آیات قرآن مانند آیه عدّه طلاق، آیات بیانگر کارکردهای تشکیل خانواده ناهماهنگ و متعارض دانسته‌اند.

قرآن حکیم دستیابی به آرامش روحی، برقراری انس و محبت و رابطه‌ای مودت‌آمیز با دیگری، پر کردن خلأهای روحی و عاطفی برای زوجین، ارضای غریزه جنسی از راه صحیح و بقای نسل را از اهداف اصلی ازدواج می‌داند. کودک همسری منافی با کارکردهای ازدواج نیست؛ زیرا درباره ازدواج دختران نابالغ دو بحث مطرح است: اصل صحت نکاح و اصل لزوم آن که در روایات صحیح که صحت هردو مورد تأیید قرار گرفته است. در مورد صغیره هم با اینکه وطی او جایز نیست، نکاح او صحیح است و جواز وقوع تا زمان بزرگ شدن دختر می‌تواند به تأخیر افتد. افزون بر اینکه، هرچند وطی آن دو جایز نیست، ولی سایر استمتاع‌ها از آنها جایز است، البته جوهره و عنصر محوری نکاح نیز محرمیت است نه استمتاع و استمتاع از لوازم عرفی است.

به باور مخالفان کودک همسری، با استناد به روایات، ازدواج کودکان با اصل ثبات و پایداری خانواده ناسازگار است، درحالی‌که فقیهان، این روایت را حمل بر کراهت کرده‌اند. به عقیده غالب مفسران و فقیهان، عبارت «وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ» در آیه چهارم سوره طلاق دلالت بر صغیره‌ای دارد که به سنّ حیض نرسیده است. براساس این دیدگاه، مراد از ارتیباب در آیه، شک در عدّه است و اجماع علماء، شأن نزول و قرائن دیگر بر این مطلب دلالت دارد. همچنین علماء معتقدند که این آیه درباره عدّه طلاق وارد شده و سیاق آیه ظهور در این مطلب دارد.

از نگاه نگارندگان، آیه چهارم سوره طلاق در مقام بیان عدّه و احکام آن است، ولی باتوجه به قرائن موجود در آیه به نظر می‌رسد که مراد از ازیاب، شک در بلوغ یا عدم بلوغ باشد. براین پایه می‌توان گفت که منطوق عبارت «لَمْ يَحِضْنَ» به صورت عام و مفهوم آن به صورت خاص، اشاره به دختران نابالغ و صغیره دارد که به کمک آن می‌توان حکم جواز کودک همسری را از آیه مورد بحث استنباط کرد و قرائن درون متنی، بینامتنی و فرامتنی نیز این مطلب را تأیید می‌کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۴۱۸ ه.ق). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: صفوی، محمدرضا. قم: دفتر نشر معارف.
۱. ابن ابی الحاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ه.ق). تفسیر القرآن العظیم. ریاض: مکتبه نزار.
 ۲. ابن ادیس حلی، محمد بن منصور (۱۴۰۷ ه.ق). السرائر الحاوی التحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه.
 ۴. ابن جزّی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ه.ق). التسهیل لعلوم التنزیل. بیروت: دارالازهم.
 ۵. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد (۱۴۱۵ ه.ق). الاصابة فی تمییز الصحابة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۶. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ه.ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
 ۷. ابن عربی، محمد (۱۴۰۸ ه.ق). احکام القرآن. بیروت: دارالجمیل.
 ۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
 ۹. امید، جلیل (۱۳۷۷). تجویز تزویج صغار (مطالعه تطبیقی و ارزیابی انتقادی تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی. نشریه مقالات و بررسی‌ها، ۶۳، ۸۳-۱۰۰.
 ۱۰. انوری، حسن، و اخوانی، جمیله (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. بی‌جا: سخن.
 ۱۱. بحرانی آل عصفور، یوسف (۱۴۰۵ ه.ق). الحدائق الناظرة فی احکام العترة الناظرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۲. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ ه.ق). تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۳. جصاص، احمد (۱۴۱۵ ه.ق). احکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۹۵/۱۲/۱۵). دروس خارج فقه نکاح. مشاهده شده در وبگاه بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسراء: www.portal.esra.ir
 ۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۹۶/۱۲/۱۶). دروس خارج فقه نکاح. مشاهده شده در وبگاه بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسراء: www.portal.esra.ir
 ۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۹۷/۷/۱۲). سلسله دروس تفسیر تفسیر سوره طلاق. مشاهده شده در وبگاه بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسراء: www.portal.esra.ir
 ۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
 ۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۹۷/۷/۱۵). سلسله دروس تفسیر تفسیر سوره طلاق. مشاهده شده در وبگاه بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسراء: www.portal.esra.ir
 ۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۹۶/۱۱/۲۱). دروس خارج فقه نکاح. مشاهده شده در وبگاه بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسراء: www.portal.esra.ir
 ۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ه.ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۲۱. حائری طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۰۹ ه.ق). الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

۲۲. حائری طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۱۸ هـ.ق). *ریاض المسائل فی تحقیق احکام بالدلائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۴. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ هـ.ق). *انوار درخشان در تفسیر قرآن*. تهران: لطفی.
۲۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۸۸ هـ.ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۶. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ هـ.ق). *التفسیر القرآن للقرآنی*. بیروت: دارالفکر العربی.
۲۷. خوانساری، سیداحمد (۱۳۵۵ هـ.ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. تهران: مکتبه الصادق.
۲۸. دعاس، احمدعبید (۱۴۲۵ هـ.ق). *اعراب القرآن الکریم*. دمشق: دارالفارابی للمعارف.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ هـ.ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالشامیة.
۳۰. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ هـ.ق). *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*. دمشق: دارالفکر.
۳۱. زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ هـ.ق). *الفقه الاسلامی وادلتہ*. دمشق: دارالفکر.
۳۲. سائیس، محمد علی (۱۴۲۳ هـ.ق). *تفسیر آیات الأحکام*. بیروت: المکتبه المصریة.
۳۳. سید قطب (۱۴۲۵ هـ.ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
۳۴. سیدمرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵ هـ.ق). *مسائل الناصریات*. تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الإسلامیة.
۳۵. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد) (۱۴۲۵ هـ.ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. قم: مرتضوی.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ هـ.ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۷. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ هـ.ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.
۳۸. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). *تفسیر اثنی عشری*. تهران: میقات.
۳۹. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ هـ.ق). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۴۰. شکوری راد، صدیقه (۱۳۹۹). *بررسی انتقادی قانون کودک همسری بر مبنای قرآن*. نشریه پژوهش نامه زنان، (۱۱)، ۱۴۱-۱۶۳.
۴۱. شیخی، بهجت عبدالواحد (۱۴۲۷ هـ.ق). *اعراب القرآن الکریم*. بیروت: دارالفکر.
۴۲. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ هـ.ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*. قم: فرهنگ اسلامی.
۴۳. صافی، محمود (۱۴۱۸ هـ.ق). *الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة*. دمشق: دارالرشید.
۴۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ هـ.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۵. طباطبایی حکیم، محسن (۱۴۰۴ هـ.ق). *مستمسک العروة الوثقی*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۶. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۱۹). *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان لعلوم القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
۴۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ هـ.ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
۴۹. طوسی، محمد (۱۳۶۳). *الاستیصار فیما اختلف من الاخبار*. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۵۰. طوسی، محمد (۱۳۸۷ هـ.ق). *المبسوط فی فقه الامامیة*. تهران: المکتبه المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة.
۵۱. طوسی، محمد (۱۴۰۰ هـ.ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى*. بیروت: دارالکتب العربی.
۵۲. طوسی، محمد (۱۴۰۷ هـ.ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۵۳. عامری، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ هـ.ق). *الصحيح من سیره النبی الاعظم*. بی جا: دارالحدیث.
۵۴. عاملی (شهیدنانی)، زین الدین (۱۴۱۳ هـ.ق). *مسالك الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۵۵. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ هـ.ق). *تفسیر نورالتقلین*. قم: اسماعیلیان.
۵۶. عکبری (شیخ مفید)، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ هـ.ق). *مختصر التذکرة بأصول الفقه*. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید.
۵۷. عکبری، ابوالقاء عبدالله بن حسین (۱۴۱۹ هـ.ق). *التبیان فی اعراب القرآن*. ریاض: بیت الافکار الدولیة.
۵۸. علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ هـ.ق). *اعراب القرآن الکریم*. طنطا: دارالصحابة للتراث.
۵۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). *جامع المسائل*. قم: امیر.
۶۰. فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۴۲۹ هـ.ق). *موسوعه احکام الاطفال وادلتها*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۶۱. فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ هـ.ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

٦٢. فيومي، احمد بن محمد (بي تا). المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي. قم: منشورات دارالرضي.
٦٣. قرطبي، محمد (١٣٦٤). الجامع لاحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
٦٤. قطب راوندي، سعيد (١٤٠٥ هـ.ق). فقه القرآن. قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
٦٥. قمي، علي بن ابراهيم (١٤٠٤ هـ.ق). تفسير القمي. قم: دارالكتاب.
٦٦. كاشاني، فتح الله (بي تا). منهج الصادقين في الزام المخالفين. تهران: كتابفروشي اسلاميه.
٦٧. كاشف الغطاء، احمد (١٤٢٣ هـ.ق). سفينة النجاة و مشكاة الهدى و مصباح السعادات. نجف اشرف: مؤسسة كاشف الغطاء.
٦٨. كرياسي، محمد جعفر (١٤٢٢ هـ.ق). اعراب القرآن. بيروت: دارالمكتبة الهلال.
٦٩. كركي عاملي (محقق ثاني)، علي (١٤٠١ هـ.ق). جامع المقاصد في شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام) لاحياء التراث.
٧٠. كليبي، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ هـ.ق). الكافي. تهران: اسلامية.
٧١. كياهراسي، علي بن محمد (١٤٢٢ هـ.ق). احكام القرآن. لبنان: دارالكتب العلمية.
٧٢. مجلسي، محمد باقر (١٤٠٤ هـ.ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام). لبنان: مؤسسة الوفاء.
٧٣. محبي، صاحب علي (١٤٢٩ هـ.ق). آيات الاحكام في جواهر الكلام. قم: احسن الحديث.
٧٤. محقق حلي، نجم الدين جعفر بن الحسن (١٤٠٨ هـ.ق). شرايع الاسلام في مسائل الحلال والحرام. قم: انتشارات اسماعيليان.
٧٥. محلي، محمد بن احمد، و سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن (١٤١٦ هـ.ق). تفسير الجلالين. بيروت: مؤسسة النور للمطبوعات.
٧٦. مراغي، احمد مصطفي (بي تا). تفسير المراغي. بيروت: دارالفكر.
٧٧. مغنیه، محمد جواد (١٤٢٤ هـ.ق). التفسير الكاشف. قم: دارالكتاب الاسلامي.
٧٨. مقاتل بن سليمان (١٤٢٣ هـ.ق). تفسير مقاتل بن سليمان. بيروت: داراحياء التراث العربي.
٧٩. مقدادی، محمد مهدي، و جوادپور، مريم (١٣٩٦). تأثير ازدواج زودهنكام بر سلامت جنسي كودكان و سازوكارهای مقابله با آن. نشریه حقوق پزشکی، ٤٠ (١١)، ٣٣-٦٠.
٨٠. مكارم شيرازي، ناصر (١١٤٢ هـ.ق). الامثل في تفسير كتاب الله المنزل. قم: مدرسة امام علي بن ابي طالب.
٨١. مكارم شيرازي، ناصر (١٤٢٤ هـ.ق). كتاب النكاح. قم: مدرسه امام علي بن ابي طالب (عليه السلام).
٨٢. مكارم شيرازي، ناصر (١٤٢٧ هـ.ق). دائرة المعارف فقه مقارن. قم: مدرسه امام علي بن ابي طالب (عليه السلام).
٨٣. موسوي خميني، روح الله (١٣٩٠ هـ.ق). تحرير الوسيله. قم: دارالكتب العلميه.
٨٤. نجفي، محمد حسن (١٤٠٤ هـ.ق). جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام. بيروت: داراحياء التراث العربي.
٨٥. نحاس، احمد بن محمد (١٤٢١ هـ.ق). اعراب القرآن. بيروت: دارالكتب العلميه.
٨٦. نراقي، احمد بن محمد مهدي (١٤١٩ هـ.ق). مستند الشيعة في احكام الشريعة. قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام).
٨٧. هدايت نيا گنجي، فرج الله (١٣٩٨). تجويز مشروط يا تحريم مطلق كودك همسري؟ نشریه دين و قانون، ٢٦، ٣٥-١١.
٨٨. واحدي، علي بن احمد (١٤١١ هـ.ق). اسباب نزول القرآن. بيروت: دارالكتب العلمية.
٨٩. يزدي، محمد (١٤١٥ هـ.ق). فقه القرآن. قم: اسماعيليان.
٩٠. يوسف غروي، محمد هادي (١٤١٧ هـ.ق). موسوعة التاريخ الإسلامي. قم: مجمع انديشه اسلامي.

